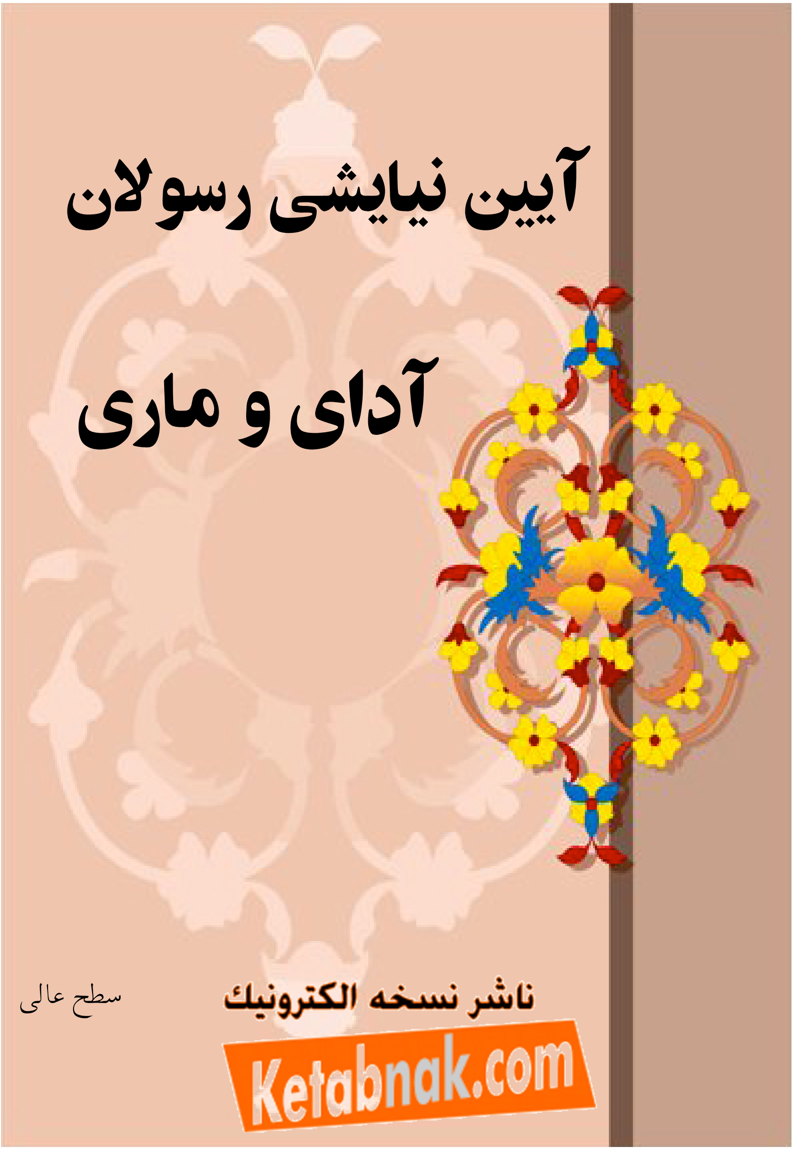

آیین نیایشی رسولان
آدای و ماری
ناشر نسخه الکترونیك
Ketabnak.com
سطح عالی

فهرست

مقدمه

با بهره گیری از نتایج مطالعات محققین بی شماری که تحقیقاتشان با ای ـ رحمانی در سال ۱۸۹۹ آغاز گردیده و تا امروز تداوم داشته است، بسیاری از متخصصین در جهت دستیابی به یک متن دقیق و اصیل، به مطالعه و بررسی آیین نیایشی آدای و ماری (آدای و ماری (همت گماشته اند، و در این راستا به مقایسه تطبیقی متن نیایشی مارونی پطرس سوم پرداخته اند. از مهمترین این محققان که نتایج تحقیقات و بررسی های خود را ارائه نموده و برای بازسازی متن فوق تلاش نموده اند می توانند سانشه کارو، ژان مانیه و آ. گلستون را نام برد.

متن تجدید نظر شده پرابهام و توجه برانگیز است، لیکن نقایص و گسستگی هایی در متن، توضیح چگونگی ترتیب آن را دشوار می سازد و این موضوع بررسی ژرفتری را می طلبد. از این رو ،این موضوع همچنان بستری مناسب برای تحقیقات وسیع تر بشمار می رود. هدف ما در این متن شامل نکات ذیل می باشد:

الف) بررسی و یافتن منطق و محرک ها و انگیزه های ترتیب یافتن متن اصلی آدای و ماری، و بدین ترتیب در واقع جستجوی دلایل متقن بر اساس اطلاعات تاریخی در جهت توضیح تفاوت ها و نقایص متن مورد اشاره و علاوه بر این:

ب) تشریح و روشن ساختن مراحل مختلف گسترش و تکامل تاریخی آن.

در مقاله ای تحت عنوان «قداشای رسولان ادای و ماری» نگارنده به تشریح چگونگی و دلایل اینکه چرا روایت تأسیس قربانی مقدس

نمی تواند متعلق به متن اصلی آیین نیایشی مورد نظر باشد پرداخته ام. این «خاستگاه شرقی »به دوره ای کهن تر تعلق دارد که در آن سیستم رازشناسی قربانی مقدس کلیسا هنوز روایت تأسیس را وارد متن نماز قربانی مقدس نکرده بود. ظهور متن آدای و ماری به دوران برگزاری نیایش قربانی مقدس به شیوه موجود در بخش دهم(دیداکه =تعالیم) و همچنین به دوره ظهور آیین نیایشی کهن تر مورد اشاره در دستورالعمل های رسولی فصل هفتم شماره ۲۵ و همچنین متن نیایشی قربانی مقدس ژوستین، نزدیک و تقریباً هم عصر آن بوده است.

بررسی

بر اساس این نتیجه گیری ، نقطه آغاز این تحقیق مقایسه ساختاری بین آیین نیایشی آدای و ماری متعلق به حوزه بین النهرین و متن قربانی مقدس پطرس سوم به روایت مارونی خواهد بود که نمونه ای از متن با توجه به شباهت ها و با اشاره به بخش هایی که بعداً به آنها اضافه گردیده (=افزوده شده اند) ـ و با حروف متفاوت مشخص خواهند شد در اینجا ارائه خواهد گردید.

* * *

آیین‌نیایشی رسولان آدای و ماری

بخش اول

الف) شایسته جلال و تمجید از هر دهان و شکرگزاری از هر زبانی است نام مجید و پرجلال پدر، پسر و روح القدس، که جهان را از رحمت خویش آفرید و ساکنان آن را نیز به محبت خویش سرشت و بشر را از گناهان آنان به فیض خود رهایی بخشیده و فناپذیران را مورد رحمت خود قرار داد.

ب) قادر متعال، خداوند ما، هزاران هزار از موجودات آسمانی و کرورها کرور از فرشتگان، لشکر مخلوقات روحانی خادمان آتش و روح با کروبیان و صرافین مقدس، نام تو را جلال داده فریاد برمی‌آورند:

ج) قدوس، قدوس، قدوس خدای قادر مطلق، آسمانها و زمین از جلال او مملو است.

ج ج) هوشیعانا در اعلی علیین. هوشیعانا پسر داود...

متبارک است او که به نام خداوند می‌آید. هوشیعانا در اعلی علیین.

متن نیایشی پطرس سوم
یا Sharrar (شرار)

بخش اول

الف) جلال بر تو باد

بر نام پرجلال و قابل ستایش پدر و پسر و روح القدس، که عالم را به رحمت خویش و ساکنان آن را به فیض خود آفرید، و نجات خود را به تمامی خاکیان فانی به فیض مبارک خویش عطا فرمود.

ب) ای خداوند ما خدای قادر مطلق، که هزاران هزار فرشتگان آسمانی تو را پرستش نموده و کرورها کرور لشکر خادمان آتش و روح با ترس و لرز تو را جلال می‌دهند. همراه با کروبیان و صرافین که یکدیگر را ندا در داده تو را حمدگویان می‌سرایند:

ما را نیز ای خداوند از رحمت و فیض خود شایسته ساز تا با آنان سه بار پیاپی بگوییم:

ج) قدوس، قدوس، قدوس ...

ج ج) هوشیعانا بر پسر داود.

بخش دوم

وهمراه با این قدرت های آسمانی

آدای و ماری

د) تو را شکر می‌گوییم ای خداوند، که هر چند ما خادمان تو حقیر، ضعیف و ناپاک هستیم لیکن توفیض عظیم خود را که از قدرت درک ما خارج است به ما عطا فرمودی در تن گیری و پوشیدن انسانیت ما، تا ما را برای شراکت در الوهیت خویش قوت بخشی. و ما بیچارگان و طبیعت ضعیف ما را برافراشته سقوط ما را به صحت باز گردانیدی. توو جود فانی ما را برخیزاندی و خطایای ما را بخشیدی. گناه ما را به عدالت تبدیل نموده و ذهن ما را به نور خویش منور ساختی، و تو ای خداوند و ای خدای ما، دشمنان ما را شکست دادی و از راه رحمت بی پایان و فیض خود طبیعت ضعیف ما را به پیروزی ملبس فرمودی.

هـ) و از مدد و رحمت های تو با ما، ما را به جلال خود منتقل ساخته و به شکرگزاری و ستایش خویش اکنون و تا ابدالاباد قادر گردانیدی. آمین.

بخش دوم

«شرار»

د) تو را شکرگذاریم ای خداوند، ما خادمان گناهکار تو زیرا که رحمت را که قابل حساب نیست به ما عطا فرمودی. تو ای خداوند، بشریت ما را بر خود گرفتی تا ما را در الوهیت خویش سهیم سازی. ما را بر افراشتی و برخیزانیدی و خطاهای ما را اصلاح نموده سرشت فانی ما را اقتدار بخشیدی و ما را از گناهان رهایی داده ما را عادل گردانیدی و خطایا و گناهان ما را بخشیدی. و ذهن های ما را روشن ساخته و دشمنان ما را شکست داده و ما ضعیفان را پیروز گردانیدی.

هـ) و به خاطر همه فیض و رحمت های تو، عطا کن تا ما تو را پرستیده، ستایش جلال و شکوه تو را در کلیسای مقدس تو و در برابر مذبح مقدست اکنون ... تقدیم نماییم. تا ابدالاباد. آمین.

بخش سوم

و) تو ای خداوند، از رحمت های فوق از عقل خویش یادگاری جاویدان از همه پدران مقدس و عادل که تورا خشنود ساختند در برگزاری بدن و خون مسیح خویش فراهم آوردی.

ز) که ما آن را بر مذبح پاک و مقدست به تو تقدیم می داریم چنان که ما را تعلیم فرمودی:

ح) و به ما سلامتی و آرامی خودرا عطا فرما تا در همه ایام این جهان، همه ساکنان زمین تورا بشناسند که تو تنها خدای حقیقی و پدر هستی، و اینکه تو خداوند ما عیسی مسیح، پسر مح بوب خودرا فرستادی و او خداوند و خدای ما، در انجیل حیات بخش خویش ما را به تمامی تقدس و پاکی تعلیم و هدایت فرمود.

بخش سوم

و) و از رحمتهای بی شمار خویش یادگاری جاویدان از همه پدران عادل و قدیس در برگزاری تن و خونت بنا نهادی.

ز) که ما آن را بر مذبح زنده و مقدس تو به تو تقدیم می داریم چنان که تو ای امید ما، در انجیل زنده و مقدس خود ما را تعلیم دادی و فرموده ای: من آن نان حیات هستم که از آسمان نازل شده تا انسان فانی در من حیات یابد.

ما این یادبود را ای خداوند، به یاد رنج های تو چنان که تو ما را تعلیم دادی برگزار می نماییم:

زیرا در شبی که تورا به مصلوب کنندگان تسلیم نمودند نان را گرفته ... «روایت تأسیس»

ح) ما به یاد می آوریم که تو تنها پسر محبوب پدر ... ببخشا که ... ما

در پیشگاه تو در پاکی ایستاده و تو را در تقدس خدمت نماییم. ... بله ای خداوند، ما از تو تنها برگزیده پدر که از طریق او مژده سلامتی به ما اعلام گردید، فرزند حضرت اعلی که در او همه چیزهایی که در بالا هستند با همه آنچه که در پایین است مصالحه داده شد، یعنی شبان نیکو در خواست می نماییم...

ط) از انبیا، رسولان، شهیدان و معترفین ایمان، اسقفان و کشیشان و خادمان و همه فرزندان کلیسای مقدس جامع که به علامت تعمید مقدس، نشان شده اند.

ی) و ما خادمان و بندگان حقیر، ضعیف و گناهکار تو ای خداوند که در این ساعت گرد آمده و در حضور تو ایستاده ایم و از سنت کلیسا نمونه ای (Tupsa) یافته ایم که از تو است، با شادمانی و وجد کنان این راز مهیب و عظیم رنج و مرگ رستاخیز خداوند ما عیسی مسیح را بجا آورده، یادآوری نموده، تمجید و ستایش می کنیم و جلال خدا را حمد می گوییم.

ل) باشد که ای خداوند، روح القدس تو نازل شده بر این جماعت بندگان تو قرار گرفته و آن را تقدیس و تبرک نماید تا آنکه ای خداوند این برای ما آمرزش گناهان، بخشایش خطاها و امید عظیم رستاخیز از مردگان و حیاتی نوین در ملکوت آسمان با همه آنانی که در حضور تو خشنود نند به حساب آید.

م) و تو را سپاس می گوییم به جهت

ط) ما در پیشگاه تو ای خداوند این را به یادگاری همه پدران مقدس و عادل کلیسا، انبیاء و رسولان، شهیدان و معترفین ایمان تقدیم می داریم.

[و با همه پدران ما، پاپ و ...]

اسقفان و تمامی خادمان دین کشیشان و خادمان و خادمه ها ،جوانان و باکره ها و همه فرزندان کلیسای مقدس تو که به علامت تعمید تقدیس شده اند، و آنان را در بدن قدوس خود شراکت بخشیده ای

ی) «شفاعت هایی بر طبق سنت انطاکیه»

ل) باشد که روح قدوس و حیات بخش تو نازل شده و بر این جماعت بندگان تو قرار گرفته و در آن مسکن گزینند، و باشد که برای شرکت کنندگان بخشایش خطاها و آمرزش گناهان و امید قیامتی مبارک از مردگان و حیاتی تازه در ملکوت آسمان باشد تا ابدالاباد.

م) و به خاطر تمامی اعمال شگفت آوری

تمامی کارهای عجیبی که برای ما کرده ای و تورا پیوسته در کلیسای تو که به خون گران بهای مسیح تو نجات یافته است جلال می دهیم و با دهانی پر از حمد و به چهره ای گشوده جلال و قوت تورا سرائیده تورا شکرگزاری و پرستش می نماییم اکنون و تا ابدالاباد .آمین.

که برای ما به عمل آورده ای، خادمان گناهکار تو که به خون بی گناه تو نجات یافته اند با دهانی پر از حمد که در کلیسای مقدس تو شکر می گوید، در حضور مذبح مهیب و مقدس تو، تورا شکرگزاری می نماییم اکنون و ...

تفسیر

الف) پرسشی اساسی

نخستین پرسش در مطالعه چنین است: کدام یک از دو متن اصلی هستند و اگر هیچ یک از آنها اصلی نیست ریشه مشترک اولیه آنها چیست و در کجاست؟

برای پاسخ به این پرستش، به تحقیق ای ـ رحمانی توجه می نماییم ـ مطالعه ای که هنوز از ارزش و اعتبار والایی برخوردار است ـ که بر طبق آن هیچ اثری از متن اولیه آدای و ماری نمی توان یافت که با متن موجود نزد ما تفاوتی آشکار نشان دهد. پس با ب ـ اسپینکز توافق می کنیم:

> هر بخش از متن مار ایشایا (آدای و ماری) به استثنای بخش یادآوری، با بخشی موازی در روایت مارونی تطابق دارد. اگر... به دقت متن «شرار» را در نظر بگیریم این پرسش به وجود خواهد آمد که چرا قسمت یادآوری در آن موجود نیست؟ غیبت این بخش این امکان را پیش روی ما قرار می دهد که قسمت یادآوری بعدها در سنت سریانی شرق به شکل اولیه متن آیین نیایشی الحاق شده است.

تا آنجا که به بخش یادآوری آدای و ماری مربوط می شود، در این مقاله به موقع بحث و بخشهای موازی یا جانشین آن را در متن پطرس سوم ارائه خواهیم نمود. واقعیت این است که صرفنظر از این بخش یادآوری، هر بخش از متن آدای و ماری بخشی معادل یا موازی در متن دیگر دارد اما معکوس آن صحت ندارد یعنی هر بخش متن پطرس سوم، بخشی موازی در متن آدای و ماری را پیش روی خود داشته و توانسته است برای هر بخش، قسمتی موازی و معادل به وجود آورد و نسخه پطرس سوم را فراهم نماید. این واقعیت نشان می دهد که جستجو برای یافتن ریشه مشترک مفروضی برای هر دو متن باید ادامه یابد که متن آدای و ماری یعنی متنی

که نسخه بردار مارونی در تهیه متن پطرس سوم از آن سود جسته باشد را رد نمی کند. در واقع، ما در آغاز بخش اول (پاراگراف الف) یک نمونه ارائه خواهی داد که به نظر ما در متن پطرس سوم، از متن اصلی آدای و ماری نقل قول شده و بهتر از متن موجود آدای و ماری آن را حفظ نموده است.

ب) دیدگاه کلی با توجه به کوششهای تحقیقی برای بازسازی متن اصلی

ضمن بزرگداشت و احترام متخصصین ارجمندی که گنجینه ارزشمند اطلاعات و دیدگاه ها را در تحلیل های خود بر روی آیین نیایشی در اختیار ما قرار داده اند، ما باید در نظر داشته باشیم که محققینی که در جهت یافتن متن اصلی آدای و ماری آدای و ماری تلاش کرده اند بر این عقیده اند که: الف) آیین نیایشی ما به طور کامل و در یک نسخه فراهم آمده است (مثل سانشه کارو، یا آ. گلستون. ماکومبر با این عقیده موافق نیست: به نظر او این متن در یک زمان تهیه گردیده اما مورد دعای طلب روح القدس از این قاعده مستثنی است) و یا ب ـ این متن مجموعه ای از سرودهای مسیحی بوده است (ژ. مانیه). تحقیقات آنان منجر به پیدایش الگوهای نظریه پردازانه متفاوتی گردیده، که بازتاب دانش ژرفی می باشند، لیکن به نتایج مبهمی دست یافته اند.

در ارتباط با گروه اول این نویسندگان (سانشه کارو، آ. گلستون و دبلیو ماکومبر) تفاوت دیدگاه های آنان باید در نظر گرفته شود. براساس نتیجه گیری بوت که معتقد است بخش (ک) به نوعی یک یادآوری می باشد که برخی محققین از جمله ماکومبر را بر آن داشته تا امکان وجود یک روایت تأسیس مفقود شده را در متن آدای و ماری بپذیرند و در نتیجه متن پطرس سوم را از نظر تاریخی هم ارز و معادل آن و گاهی حتی به عنوان متن اصلی اولیه به حساب آورند. بنابراین می توان نمونه های نظریه

پردازی متفاوتی را یافت که از آن جمله نظرگاه سانشه کارو می باشد، که در این دو متن نشانه های روایت آخرین شام خداوند را می یابد.

این رویکرد در بررسی های تحقیقی فاقد توجه کافی به این واقعیت است که آیین نیایشی آدای و ماری شکل ویژه ای است که با تحولات کلیسای بین النهرین در آمیخته و جزیی از تاریخ این کلیسا گردیده است. این کلیسا، اگرچه به عنوان جماعتی در مشارکت با «پدران غربی» شناخته شده که به وضوح تا شورای مار دادیشوع (۴۲۴ میلادی) تداوم یافته، با این همه به دلیل رشد و گسترش آن در یک امپراتوری و فرهنگ متفاوت تا حدود زیادی مستقل از آنها عمل می نموده است. بر اساس کاملترین و بهترین اطلاعات موجود آدای و ماری تنها آیین نیایشی دارای اقبال عمومی بوده و به دفعات در کلیسای شرق از زمانهای بسیار دور تا دوران مار اسحق کاتولیکوس و شورای تشکیل شده توسط او در سال ۴۱۰ میلادی مورد استفاده قرار داشته است.

در حالی که کلیساهای دیگر در شرق و غرب از قرون سوم، چهارم و پنجم به استفاده و تدوین آیین های نیایشی جدیدتر روی آوردند که سرشار از تحولات نیایشی و الهیاتی معاصرشان بودند، کلیسای شرق تنها یک آیین نیایشی منحصر به فرد و اصلی در اختیار داشت که با این تحولات نیز هماهنگی نشان می داد: آیین نیایشی ادای و ماری. از این رو، از دیدگاه من هدف بررسی ها و تحقیقات نبایستی یافتن یک متن اصلی مفروض از این دعای قربانی مقدس باشد بلکه تلاش ها باید بر کشف لایه های مختلف تحولات نیایشی در بافت متن مورد نظر متمرکز گردد.

جستجو برای بازشناسی اولین سطح

الف) نسخه Birkat-Ha-Mazon (برکت- ها-مازون) و دعای قربانی مقدس

از سال ۱۹۶۸، استاد والا مقام نگارنده جناب ل. لیژیه دانشجویان خود را به تلاش برای یافتن ریشه های دعای قربانی مقدس تشویق و ترغیب نمود.

برای تفکیک و تشخیص متن دعای شام آخر از دعای قربانی مقدس پذیرفته شده کلیسا، شخص باید مطمئناً از متن «برکت-ها-مازون» و فقط از همین نقطه آغاز کند. اما این موضوع دو پیش شرط دارد: قبل از هرچیز ما باید این دعا را با تمامیت ویژگی های آن در نظر بگیریم و سپس بایستی متن «برکت-ها-مازون» را در بافت متن رستاخیزی آن مورد بررسی قرار دهیم.

علاوه بر اینها، ارتباط «برکت- ها-مازون» و الگوهای اولیه بجا مانده از دعای قربانی مقدسی، مستتر در فصل دهم Didache (دیداکه= آموزش اصول مسیحیت) توسط اکثر متخصصین مورد توجه قرار گرفته است. من با نتیجه گیری مازا موافقم که:

پیرو مطالعات ل. فین کل اشتاین و م. دیبلیوس و همچنین هروبی، ارتباط بین فصل دهم «دیداکه» و متن «برکت-ها-مازون» نیازی به بحث ندارد.

اما پیش از پرداختن به رابطه بین نیایش «برکت- ها-مازون» و آیین نیایشی آدای و ماری باید برخی نکات را درباره علمای شریعت یهود و سپس دیدگاه های مسیحی و چگونگی رویکرد آنان به «برکت- ها-مازون» خاطرنشان ساخته و از نظر ساختاری و محتوایی و همچنین شیوه نگارشی آن، این متن را بررسی نمایم.

بر طبق روایت تلمود بابلی:

استادان ما به ما تعلیم داده اند: که آداب برکت دادن غذا چنین است: اولین دعای برکت برای «یگانه غذا دهنده»، دومین برکت مربوط به زمین، و سومین آنها مخصوص «کسی که اورشلیم را بنا خواهد نمود» می شود.
معلمین شریعت تعلیم داده اند: چرا برکت دادن غذا در عداد قوانین شریعت درآمده؟ چرا گفته شده است: «هنگامی که سیر شدی برکت خواهی یافت» »تث ۸: ۱۰)

ارتباط موجود بین سه نگرش موجود در این سه برکت به روشنی قابل درک است. در واقع، پس از هر وعده غذا، باید به حضور خالق و فراهم آورنده غذا شکرگزاری نمود. این نخستین برکت است.
سپس در ارتباط غذا و منشأ آن یعنی زمین حاصلخیز که آن را فراهم می آورد، حاوی هیچ حقیقت دیگری نیست مگر آگاهی از رحمت الهی و در ادامه اولین بینش نیازمند احساس مسئولیت و پاسخگویی به برکات خدا نیز هست. علاوه بر این، شکرگزاری برای زمین متعاقب خود تمامی وظایف انسانی در برابر شرایط حاکم بر زمین را نیز یادآور می شود: نخست خروج از بردگی مصر به سوی آزادی و سپس دوران موسی تا اعطای شریعت. زمین و آزادی در اینجا در هم تنیده شده اند. و این برکت دوم است. پس از این به دلیل ارتباط تنگاتنگ بین موضوعات این دو برکت که می توان آن را در شیوه نگارش و روایت آن دریافت می توانیم این هر دو را سنگ بنای یگانه تمجید و شکرگزاری به حساب آوریم.
سومین برکت یا درخواست گذشته را با حال و آینده مرتبط می سازد. این قسمت از تمامیت جهان به سرزمینی خاص می رسد و سپس یک قوم خاص را در حال دعا برای بقای یک قوم و اتحاد آنها نشان می دهد که همچنین برای حمایت از سازمانهای نهادینه قومی خویش به دعا دست برداشته است.
نظامنامه های اولیه بجا مانده از قربانی مقدس مسیحیان، فصل دهم

«دیداکه»، نظام رازگونه قربانی مقدس، دستورالعمل رسولان بخش هفتم مورد ۲۵ و آیین نیایشی آدای و ماری همه از ساختار متن «برکت-ها-مازون» تبعیت نموده و در سه قسمت بخش بندی شده اند. از دیدگاه کلیسای شرق، کاتولیکوس ایشویاهاب اول (۵۸۷ میلادی) در پاسخ به اسقف «درای» به ویژگی مشترک آیین نیایشی بین النهرین اشاره و آن را تشریح می کند:

> (کشیش) در پایان هر بخش از نیایش (*Yubal Pasoqe*) در حالی که با زبان خدا را حمد می گوید و جلال می دهد دست خود را بر رازهای مقدس آسمانی قرار داده-و بر طبق نظامنامه نیایشی-علامت صلیب خداوند را ترسیم می کند. هنگامی که او این سه بخش (*Tlatheyhon Pasoqe*) را به پایان می رساند به صلیب نزدیک می شود.

اما باید تأکید کنیم که در هیچ یک از این نظامنامه ها، شکرگزاری برای غذا محتوای بخش اول را تشکیل نمی دهد. برعکس شکرگزاری برای خلقت و نجات متن اولین قسمت را در تمامی آنها تشکیل می دهد. این نکته که چگونه این پاراگراف از موضوع شکرگزاری برای غذا به مضمون خلقت انتقال می یابد و چگونگی روایت این تحول در فصل دهم «دیداکه» شایان توجه خاص است: «ای خداوند خدای قادر مطلق که همه هستی را به نام خویش خلق فرموده و هم غذا و هم نوشیدنی ها را فراهم نموده ای ... »این متن کاملاً با جمله آغازین بخش اول نیایش آدای و ماری مطابقت دارد:

«جلال بر تو بر نام پر جلال و مجید او باد ... که جهان را به فیض خویش آفرید ...»

ب iنظر می رسد که مسیحیان هنگام برگزاری شام خداوند به دو دلیل نمی توانستند با شکرگزاری برای غذا این مراسم را آغاز نمایند.

الف) شام جماعت متعاقب قربانی مقدس و بلافاصله صرف می شد و این در اولین سالهای مسیحیت مرسوم بود.

ب) نان و شراب روحانی که آنها در آن مشارکت می نمودند نه بخشی از خلقت بلکه مجموعه ای از اعمال نجات بخش خدا را نمایان می ساخت.

ب) ارتباط بین آیین نیایش آدای و ماری و متن نیایش «برکت-ها-مازون»

رابطه بین متن نیایش «برکت-ها-مازون» و آیین نیایشی رسولان آدای و ماری بخوبی شناخته شده و از زمان ل. بویر به آن پرداخته شده بود،۱۷ اما بررسی های بعدی لازم برای نشان دادن بخش های تکرار شده در روند گسترش و تکامل آن به انجام نرسیده بودند.

در کوشش خود، برای بازیافتن نقطه ارتباط مورد نظر بین نیایش «برکت-ها-مازون» و آیین نیایشی آدای و ماری گام اول، استخراج سه بخشی خواهد بود که از نظرگاه من به لایه های اولیه متن ما تعلق ندارند یعنی قطعه تقدیس، دعای طلب روح القدس و روایت طولانی شام آخر. من با نظر آر. تافت دقیقاً موافق و همراه هستم که معتقد است: ...« تقریباً توافقی ضمنی وجود دارد که متون اولیه نیایشی قربانی مقدس در اصل کوتاه از نظر مضمون دعای تقدیس خودکفا و معمولاً فاقد دعای تقدیس خاص روایت تأسیس و یا دعای طلب روح القدس بوده اند، از مقایسه بین نسخه یهودی نیایش «برکت-ها-مازون», فصل دهم «دیداکه» و پاپیروسهای استراسبورگ شماره ۲۵۴، این نتیجه حاصل شده است...».

اگر آیین نیایشی آدای و ماری به همان دوران و الگوهای معاصر آن تعلق داشته باشد، با استخراج سه بخش مورد بحث ما می توانیم نظام موازی و هم ارز موجود در نیایش «برکت-ها-مازون»را در ساختار و موضوعات اصلی متن آدای و ماری بیابیم و همچنین بخش های هم ارز و مشابه موجود در بخش دهم «دیداکه» و متن قربانی مقدس رازگونه موجود

در دستور العمل رسولان بخش هفتم شماره ۲۵ را می توان استخراج کرد.
سه بخش فوق شامل این موارد می باشند:

الف) دعای تقدیس و پیوست های آن که برای استفاده در متن آیین نیایشی در بخش اول آن جا داده شده اند.

ب) پاراگراف حاوی دعای طلب روح القدس

ج) اشاره و روایت طولانی شام آخر در بخش سوم که به روشنی، عمل کلیسا را با آن واقعه (شام آخر) مرتبط می سازد. در اینجا این متون برای مقایسه ارائه شده اند:

نیایش «برکت-ها-مازون»	نیایش آدای و ماری
۱) متبارک هستی ای خداوند خدای ما، ای پادشاه جهان، توکه ما و تمامی جهان را از روی نیکی، و از رحمت، با محبت و فیض خویش روزی می بخشی متبارک باد نام تو ای خداوند که تمامی جهان را روزی عطا می فرمایی.	۱) جلال بر نام قابل ستایش و پرجلال تو باد (پدر و پسر و روح القدس) که جهان را از رحمت خویش و ساکنان آن را از راه محبت آفرید. و انسان را از رحمت خود نجات عطا فرمود و به خاکیان فانی نظر از لطف فرمود.
۲) تو را شکر می گوییم ای خداوند خدای ما زیرا که سرزمینی نیکو، وسیع و خرم را به ما به میراث بخشیدی و نیز شریعت، حیات و غذا بخشیده ای برای همه اینها تو را شکر می گوییم و نام تو را تمجید می نماییم تا به ابد و تا انتهای جهان	۲) ای خداوند تو را سپاس می گوییم، ما بندگان حقیر، ضعیف و گناهکارت، زیرا که رحمت تو با ما فوق از فهم ماست. زیرا که بشریت ما را بر خود گرفتی تا ما را از سرچشمه الوهیت خویش حیات بخشی تو ضعف انسانی ما را برداشتی و سرشت گناه آلود ما را برخیزانیدی، خطایای ما را عفو نموده وجود گناه آلود ما را پاک فرمودی، تو ای خداوند ذهن ما را منور ساختی تو ای خداوند و خدای ما بر دشمنان ما ظفر یافتی و سرشت ضعیف ما را از فیض خود به خلقت پیروزی ملبس فرمودی. برای تمام امدادهای تو و رحمتهای تو با ما، ما تو را تمجید می نماییم و تو را شکر گفته ستایش می کنیم اکنون و تا ابدالاباد. آمین.
۳) ای خداوند خدای ما بر قوم خود اسرائیل ترحم فرما و بر شهر خود اورشلیم و بر قربانگاه و مسکن خود در صهیون محل ظهور جلال مبارک خود و بر مسکن مقدس که به نام تو خوانده شده ترحم فرما. سلطنت خاندان داود را در روزگار ما به جای خویش	۳) خداوندا از رحمت های بی شمار خود که نمی توان شمارش کرد به خاطر مسیح خود یادگاری از تمامی پدران مقدس و عادل که در نظر تو مقبول بوده اند یعنی انبیا، رسولان شهیدان و معترفین ایمان، اسقفان، کشیشان و خادمان و همه فرزندان تو که به مهر تعمید

بازآور و اورشلیم را بنا نما. متبارک باد نام توای خداوند که اورشلیم را بنا نمودی. آمین.	مقدس و جاودانه تقدیس شده اند بنا نما. و به خاطر تمامی نقشه های نیکو و اعمال عجیب تو ما تورا شکر گفته و بی وقفه و پیوسته تورا در کلیسای تو که به خون گرانبهای مسیح تو نجات یافته است با دهانی پر از حمد و با چهره های گشاده شکرگزاری نموده می ستاییم و جلال می دهیم از اکنون و تا به ابد آمین.

بخش اول: ایمانداران بین النهرین چنان که قبلاً اشاره شد به عنوان مسیحیان باید نیایش قربانی مقدس خود را با موضوع خلقت و نجات که سرفصل قسمت اول را تشکیل می دهد آغاز می نمودند.

بخش دوم: این قسمت همانند نیایش «برکت- ها-مازون» بر موضوع نجات و کار نجات بخش خداوند متمرکز شده است که البته مضمون آن به شکلی واضح درباره مسیح و از نوع ادبیات مسیحی می باشد.

بخش سوم: به پیروی از الگوی ساختار نیایش «برکت- ها-مازون» بخش سوم به شکل درخواست تنظیم شده اما مضمون واقعی آن یادآوری می باشد. متن نیایشی آدای و ماری در اینجا به روشی کامل، مخصوص و حتی منحصر بفرد یادآوری خداوند را ترتیب داده و آن را به بخش «یادبودها»ی موجود در ساختار آیین نیایشی پیوند می زند، و بجای قرار دادن آن در بخش الهیاتی، بدین سان الگوی تازه ای از یادآوری کار خداوند را به این ترتیب ارائه می دهد: خداوند خدا، چنان که ما یادبود مسیح تو را بجا می آوریم ما را به یاد آور که کلیسای تو می باشیم. در واقع خداوند ما مسیح از شاگردان خود خواسته بود که برای اتمام و تکمیل برکات او «به یادگاری من این را بجا آورید.»

علاوه بر این، نقطه ارتباط بین متن نیایشی آدای و ماری و متن نیایش

«برکت- ها-مازون» حتی از مرز بافت و ساختار متن سه بخشی فوق فراتر رفته و به فرجام کار آخرین شام یعنی مصاحبت صبحگاهی قیام خداوند پیوند می خورد، که در آن پیش از سرایش تحلیل (مزمور ۱۱۳) برخی آیات از مزامیر آنچه را که به جام ایلیا موسوم بود همراهی می نمود.

در اینجا این متون برای مقایسه ارائه می شوند:

خشم خود را بر آنانی فرو ریز که تو را
نمی شناسند

مصاحبت قیام	آیین نیایشی آدای و ماری
آخرین جام ایلیا (مز ۷۹:۶-۷، ۶۹:۲۵؛ مرا ۳:۶۶)	
خشم خودرا بر امت هایی فروریز که تورا نمی شناسند و بر ممالکی که نام تورا نمی خوانند زیرا که یعقوب را هلاک کردند و خانه او را بیابان ساختند.	و به ما آرامش و سلامتی خودرا ببخش تا همه ساکنان زمین تورا بشناسند که تو تنها خدای راستین و پدر هستی و تو خداوند ما عیسی مسیح پسر محبوب خویش را فرستادی
خشم خود را بر آنان فروریز ببخشا که خشم تو آنان را درهم کوبد، آنها را در خشم خود نابود کن و از زیر آسمان ها محو فرما.	واو، خداوند خدای ما، از طریق انجیل حیات بخش خود ما را در تمامی پاکی و تقدس تعلیم و هدایت فرمود.

مطالعه دقیق این دو ستون به خوبی نشان می دهد که هم ساختار پایه و هم تراز پایانی عید گذر یهودی به صورتی موازی و معادل در آیین نیایشی بین النهرین یافت می شوند، بخشی هم ارز که در عین حال از بافت اصلی خود تحت تأثیر روح نگرشی مسیحی فراتر می رود. به جای دعوت و فرا خواندن خشم خداوند بر علیه امت هایی که او را نشناختند و با قوم خدا جنگیدند، متن آدای و ماری آرامش خدا را برای کلیسا در طی سفر زمینی آن درخواست می نماید و همچنین به بازگشت همه انسانها و توبه آنها به سوی خدا و مسیح او توجه دارد.

ج) مقایسه با «دیداکه» (آموزش اصول مسیحیت)

براساس مقایسه و تحلیل ارائه شده تصور می کنم این نتیجه گیری که ساختار اصیل قربانی مقدسی متن نیایش آدای و ماری اساساً از الگوی «برکت- ها-مازون» (دعای برکت یهودیان) در افق دید گذر یهودیان پیروی می نماید، معتبر باشد. این ساختمان اصیل و اساسی نیایش آدای و ماری را می توان اولین سطح (ساختارشناسی) متن نهایی آن در نسخه های یافت شده به حساب آورد، که از شیوه نگارش محتوا و بنابراین تاریخچه پیدایشی، بسیار نزدیک به فصل دهم «دیداکه» برخوردار است، و البته نسبت به آن از یک امتیاز نیز بهره می برد: سطر فراخوان و درخواست آرامش برای کلیسا و تبدیل قلب تمامی جهان که متن قربانی مقدس بین النهرین را با عید گذر یهودیان متشابه ساخته و در نتیجه به آخرین شام عیسی با شاگردانش پیوند می دهد. برای بررسی ساده تر دو ستون ذیل را مقایسه نمایید:

«دیداکه»	آدای و ماری
خداوند قادرمطلق تو همه چیزرا به خاطر نام خودآفریدی...	جلال بر تو که نامت مقدس باد (پدر و پسر و روح القدس) که تمامی جهان را به فیض خویش آفرید و ساکنان آن را از رحمت خود تفقد فرمود و بشر را از گناهان او به فیض خویش رهایی بخشد واز خاکیان فانی تفقد نمود.
تورا شکر می کنیم ای پدر قدوس به خاطر نام مقدست که در قلبهای ما ساکن گردانیدی...	تو را سپاس می گوییم ای خداوند ... خداوند از رحمت خود یادبود همه پدران را تقدیس فرما.
خداوندا کلیسای خودرا به یادآور	

با در نظر گرفتن روند تحول متفاوتی که محتوای اصلی نیایش «برکت- ها-مازون» در هر یک از دو نمونه فوق از سرگذرانده، می توان همزمان و در عین حال به تشابهاتی در ساختار و مضمون اصلی میان آن دو نیز دست یافت، که ما را به این نتیجه گیری هدایت می نماید که متن آدای و ماری در شکل و اولین سطح آن الگوی اصلی دعای قربانی مقدسی را مشابه آنچه که در **«دیداکه»** روایت شده حفظ می نماید و در نتیجه می توان به دوره رسولان نزدیک باشد. اما در حالی که دعاهای اولیه شناخته شده قربانی مقدس همچون **«دیداکه»**، فرم کهن نیایشی **دستورالعمل رسولان** بخش هفتم شماره ۲۵ و آیین نیایش **سنت رسولان** بخش ۲۰،۴ میراث های تاریخی قربانی مقدس مسیحی و تفسیر آن به شمار می آیند، متن آدای و ماری رایج ترین متن نیایشی مورد استفاده در کلیسای زنده بوده است، کلیسایی که الگوهای نیایشی اولیه خود را تکامل بخشید و به آنها عناصری افزود که متن نیایشی را با تحولات نیایشی و الهیاتی جهان هم عصر کلیسا هماهنگ و همساز می گرداند.

پس از استخراج بخشهایی از کل متن آدای و ماری که درباره آنها به بحث پرداختیم و نشان دادیم که به الگوی اصلی و اولیه آن تعلق نداشته اند، بسیار سودمند خواهد بود که در جهت روشن ساختن مطلب، این بخشهای اصلی را در یک مجموعهٔ کلی در کنار یکدیگر قرار دهیم تا سطوح و شکل اولیه آیین نیایشی را متشکل سازند.

آیین نیایشی آدای و ماری

اولین سطح

بخش اول

الف) جلال بر تو باد. نام پر جلال و شایسته حمد و ستایش (پدر و پسر و روح القدس) که جهان را به رحمت خویش آفرید و ساکنان آن را از محبت خویش تفقد نموده، بشر را به فیض خود از گناه نجات بخشید و بر خاکیان فانی نظر لطف فرمود.

بخش دوم

د) تو را شکر می‌گوییم ای خداوند، ما بندگان حقیر، ضعیف و گناهکار تو، زیرا که بر ما ترحم فرمودی به رحمتی که نمی‌توان بیان کرد زیرا که انسانیت ما را برخود گرفتی تا ما را به جلال آسمانی خود تقویت بخشی.

و سرشت ناتوان ما را برافراشتی و خطایای ما را اصلاح فرمودی. تو وجودهای فانی ما را برخیزانیدی و گناهان ما را بخشیدی. سرشت گناهکار ما را به عدالت تبدیل نموده و ذهن ما را منور ساختی و تو ای خداوند و ای خدای ما، دشمنان ما را پایمال کردی و سرشت ضعیف ما را از رحمت بی‌پایان خویش به لباس پیروزی ملبس ساختی.

ه ـ و برای تمامی امدادها و رحمت‌های تو با ما، نام تو را جلال می‌دهیم و تو را سپاس گفته تمجید می‌نماییم اکنون و تا ابدالاباد. آمین.

بخش سوم

و) **خداوندا از راه رحمت بی‌پایان و غیرقابل درک خود**، به یاد مسیح خود، تمامی پدران عادل و مقدسی را که تو را خشنود ساختند، انبیا،

رسولان، شهیدان و معترفین ایمان، اسقفان و کشیشان و خادمان و تمامی فرزندان کلیسای جامع مقدس خود را که به علامت صلیب نشان شده‌اند به نیکوترین وجه بیاد آور.

ح) **و به ما سلامتی و آرامش خود را عطا فرما** در تمامی روزهای حیات زمینی، تا آنکه همه ساکنان زمین تو را بشناسند که تو تنها خدای راستین و پدر هستی و اینکه تو خداوند ما عیسی مسیح پسر محبوب خود را فرستادی و او خداوند و خدای ما از طریق انجیل حیات بخش خویش ما را به جمیع پاکی و تقدس هدایت و تعلیم فرمود.

ط)**و به خاطر تمامی اعمال عجیبی که برای ما به عمل آورده‌ای** تو را سپاس گفته و بی‌وقفه و پیوسته در کلیسای تو ترا جلال می‌دهیم، که به خون گرانبهای مسیح تو نجات یافته و با دهانی باز و چهره‌ای گشاده، تمجید و ستایش و جلال را به شکرگزاری به نام مقدس و حیات بخش تو تقدیم می‌داریم اکنون و تا به ابد آمین.

مخاطبان آیین نیایشی و هدف آن

یکی از اساسی‌ترین ابهامات و مسائلی که متخصصین در درک و تشریح متن شناخته شده آدای و ماری با آن روبه‌رو هستند مشکل ناپایداری و متغیر بودن جهت گفتگوی این آیین نیایشی بوده است، که هم در کلیت آن و هم در بخش‌های انفرادی آن و بخصوص در بخش سوم آن مشهود است. اما چنان که می‌توان به روشنی مشاهده نمود، متن اگر از دید اولین سطح بررسی شود تماماً به هم پیوسته و دارای تداوم بنظر می‌رسد. جهت گفتگو در این وجه نه فقط یک مشکل به وجود نمی‌آورد بلکه به نوعی می‌تواند جهت اختصاصی به حساب آید: بخش اول به نام قدوس آسمانی تقدیم شده، که بعداً گسترده می‌شود تا مفهوم سه‌گانه اقدس را شرح دهد، بخش دوم به مسیح تقدیم شده و بخشِ سوم مجدداً به پدر باز می‌گردد. هر چند غیرعادی بنظر می‌رسد ولی کاملاً روشن است.

PDF.Tarikhema.ir

پاراگرافی که به پدر، سرور جهان و به مسیح نجات دهنده تقدیم شده، از یک الگوی آشنای بین النهرینی در مسیح شناسی پیروی می کند که در متون آرکائیک (باستان) و سرودهای کهن آیین نیایشی سریانی ـ کلدانی تکرار شده و امروزه نیز در از هر آیین نیایشی یافت می شود:

Lakhu Mara d-kulla Mawdenan w-lakh ysho' Mshyha mshabhynan...

(به تو ای خداوند و سرور جهان، شکرگزاری خود را تقدیم می نماییم. به تو ای عیسی مسیح، جلال را تقدیم می کنیم، زیرا که تو یگانه ای هستی که بدنهای ما را برخواهی خیزاند و ارواح ما را نجات خواهی بخشید).

نتیجه گیری

بدون تغییر بخشی یا عنصری در متن آیین نیایشی آدای و ماری و بدون افزودن چیزی بر آن، بلکه فقط

الف) با استفاده از روش شناسی مقایسه آن با متن پطرس سوم،

ب) با کنار گذاشتن و جدا کردن آنچه که بعدها در جریان تحولات به ساختار آن افزوده شده و به صورت آیین نیایشی تمامی کلیساها درآمده است،

متنی که نتیجه می شود، بخشی حیرت انگیز ار یک درک عمیق از قربانی مقدس یعنی نیایشی که از متن نیایش «برکت ـ ها ـ مازون» نتیجه شده خواهد بود که در قلب مضمون گذر بوجود آمده و بسیار شبیه متن فصل دهم «دیداکه» می باشد.

اکنون باید سه بخش استخراج شده را بررسی نموده و چگونگی پیوستن و الحاق آنها را به متن آیین نیایشی و تأثیر آنها را در شکل نهایی متن تشریح و تفسیر نماییم.

الحاقات و تغییرات ساختاری در بخش اول

الف) الحاق قدیش اشعیا

متخصصین متأخر که سر حلقه آنان آ. بوشتارک است به این نتیجه رسیده اند که استفاده یهودیان از قدوشای اشعیا ۳:۶ در کتاب یاشر و در سومین *Teffilla* (تفیلا) از هجدهمین دعای تقدیس کتاب دعای یهودیان، در الحاق آن به آیین قربانی مقدس مسیحیان مؤثر بوده که نخست در کلیساهای مرتبط با جماعت های یهودی دیده شده و سپس در میان بقیه مسیحیان نیز رواج یافته است. تا زمان الحاق قدیش به بافت کلی و ساختار آیین های نیایشی مشاهده می کنیم که در هیچ یک از متون شناخته شده دعای قربانی مقدس تا زمان پیدایش آیین نیایشی سنت رسولان (قرن سوم و چهارم) اثری از آن یافت نمی شود. این زمان را می توان مرز زمانی به حساب آورد. و از این زمان به بعد از که این متن در آیین های نیایشی دستور العمل رسولان بخش هشتم ۲۲۲۷:۱۲ (۳۸۰ میلادی) در نسخه ای که بخش «تفیلا قدوشا» را در متن خود دارد یافت می شود، می توان چنین تصور کرد که این زمان یک مرز زمانی برای ورود این قسمت به آیین نیایشی محدوده های سریانی زبان بوده است.

کلیسای بین النهرین یکی از جماعت های مسیحی نزدیک به مجامع یهودی به سادگی دریافت که این سرود آسمانی می تواند بطور مؤثر در قربانی مقدس مورد استفاده قرار گیرد به خصوص با در نظر گرفتن این حقیقت که این بخش به دعای صبحگاهی تعلق داشته است، انتقال آن از دعای صبحگاهی به نماز قربانی مقدس صبحگاهی می توانست به خوبی در قسمتی که به جلال دادن خداوند مربوط است توجیه شود و این یک گذر

آرام در این انتقال بوده است. مقدمه ای برای الحاق آن در نظر گرفته شده (ای قادر متعال) که از نظر شیوه نگارش لباس همان ادبیات متن را پوشیده است، سپس همین عبارت با ضمیر دوم شخص (جلال بر نام قدوس تو) بدون تغییر متن اولیه ارائه گردیده است.

به هر ترتیب هنوز می توان در بافت این مقدمه برخی نکات را یافت که به جدید بودن بخش *Qaddysh* (قدیش) اشاره می کند. در واقع،

۱) در حالی که مخاطب در بخش اولیه آیین نیایشی (الف) «نام» آسمانی می باشد می بینیم که در مقدمه «قدیش» (ب) مخاطب «ای خداوند من »است که هم در آیین نیایشی آدای و ماری و هم در متن پطرس سوم یافت می شود.

۲) سبک دستوری (دستور زبانی) این قسمت از سوم شخص (نامی که جهان به فیض او آفریده شد ... و از رحمت او ... و غیره) به دوم شخص تبدیل می شود: (نام قدوس تو ... / رحمت تو /... فیض تو)

زمانی که نیایش «قدیش» وارد آیین نیایشی بین النهرین گردید سال ۳۴۰ میلادی بوده ه با آغاز دوران جفای چهل ساله بر کلیسا مقارن است، که منجربه دشواری روابط بین کلیسای پارسی ـ شرقی با کلیسای روم غربی گردید.

ب) تغییرات بخش آغازین آیین نیایشی

تغییرات بخش آغازین از «جلال بر نام قدوس تو... »به «شایسته ستایش از هر زبان و شکرگزاری از هر دهان، نام ... »به وضوح باید دلیلی داشته باشد. این موضوع نمی تواند به دلیل الحاق «قدیش» نیمه عهد جدیدی به قسمت اول آیین نیایشی رخ داده باشد، زیرا این سرود، به دلیل ریشه آن که متن اشعیا ۳:۶ باشد و چنان که در مقدمه آن اشاره شده باید همراه با مخلوقات آسمانی سراییده شود.

این تغییر در واقع تحت تأثیر یک الحاق دیگر که بعدها انجام شد و یک «هوشیعانا و تقدیس »عهد جدیدی نوین (برداشت شده از مزمور ۱۱۸:۲۵-۲۶ و حزقیال ۱۲:۳) به متن اصلی اضافه گردید انجام گردید که آیین نیایشی حضرت یعقوب را در اورشلیم به یاد می آورد که متضمن سرودی بود که بر اساس معنا و مفهوم آن باید در یک کلیسای در حال سفر سراییده می شد. این الحاق جدید نیازمند تغییر نظم و ترتیب بخش اول به گونه ای جدید بود که به نوبه خود متن قدیش را در بافت و مضمون تازه ای قرار داد.

اینکه قدیش اشعیا هنگامی که به پدران کلیسای مارونی سپرده شد جزیی از متن نیایش آدای و ماری بوده است، از این حقیقت دریافت می شود که پطرس سوم نیز در مقدمه آیین نیایشی خود آن را به همان شکل موجود در متن نیایش آدای و ماری ضبط نموده است. این نکته که هوشیعانا ـ تقدیس الحاق جدیدتری می باشد نیز با این حقیقت تأیید می گردد که هر یک از دو متن برای آن شیوه نوشتاری متفاوتی ارائه می کنند که به وضوح راههایی متناقض، ابهام آمیز و تصنعی هستند:

الف) پطرس سوم، متن اشعیا را با افزودن یک عبارت (تا آنکه= باشدکه) (باشد که باشد که ما شایسته سراییدن با آنان گردیم) در پایان جملات مقدمه متن اشعیا (فریادکنان می گفتند) که قطع می کند که یک مجموعه ناهمگون با بقیه سرود فرشتگان به وجودآورده است، ناهمگونی که با عبارت جدید به یکدیگر متصل می شوند.

ب) متن نیایش آدای و ماری با وارد کردن آن در دو قسمت یا دو جمله، یکی در ابتدای این بخش (شایسته جلال از هر زبان و شکرگزاری با هر دهان نام قدوس ...) و دیگری در پایان سرود و عملاً در آغاز بخش دوم آیین نیایشی (با لشکرهای آسمانی ما نیز تو را شکر می گوییم) این حقیقت را مورد تأکید قرار می دهد. این نکته دلیل متقنی بر کوشش های انجام شده در جهت این الحاق به دست می دهد.

این گونه تحلیل و بررسی که دو وجه یا سطوح متفاوت را در متن قدیش باز می شناسد و آن را در هر دو متن نیایش آدای و ماری و پطرس سوم مورد بررسی قرار می‌دهد می تواند توسط جایگزینی آیین نیایشی در دستورالعمل رسولان بخش هشتم تأیید گردد، که حاوی تسبیح سه قدوس نیمه عهد جدیدی است حال آنکه فاقد بخش هوشیعانا ـ تقدیس عهد جدیدی می باشد:

قدوس، قدوس قدوس خدای قادر مطلق، آسمان و زمین از جلال او مملو است، تو تنها قدوسی تا ابدالاباد آمین.

همچنین نارسای (۵۰۲ میلادی) در قسمت هفدهم اثر خود به نام *Memra*(ممرا) هنگام تشریح رازهای مقدس عبارت را چنین بیان می نماید:

کشیش ادامه می دهد (می گوید): «تمام (مخلوقات سماوی) با یکدیگر خروش برآورده یکی به دیگری می گوید، جماعت در اینجا پاسخ می دهند: قدوس خدایی که در نور ساکن است. **قدوس، قدوس، قدوس، جماعت خروش برمی آورند آسمان و زمین از جلال او مملو است ... تمامی جماعت کلیسایی (این کلمات) را با صدای بلند بر زبان می رانند و سپس سکوت می کنند** و کشیش به گفتگو با خدا ادامه می دهد.

به طریقی مشابه، نارسای در تفسیر شماره ۲۱ خود درباره رازهای کلیسا اعمال کلیسایی نیایشی را نقل می کند بدون آنکه ذکری از هوشیعانا یا دعای تقدیس در کار باشد.

(کشیش) به یاری کلمات خود به مخلوقات روحانی شبیه می شود و شفاعت می نماید و در این زمان به جماعت تعلیم داده از آنان می خواهد که بگویند: قدوس، او صدای موجودات آسمانی را برای جماعت قرائت می کند زیرا که آنها فریادکنان می گویند: **قدوس، قدوس، قدوس خداوند ... هنگام این عمل او (مردم را) به شنیدن این صدا دعوت می کند و او در این حال جانشین اشعیا می گردد،** و به یاد می آورد که حقارت و ضعف انسان در برابر جلال خدا تا چه حد آشکار است.

ریشه‌های الحاق بخش هوشیعانا ـ دعای تقدیس

اگر پاراگراف هوشیعانا ـ دعای تقدیس بعدها به متن قدیش اشعیا الحاق شده، چه زمانی و چرا باید وارد نیایش آدای و ماری شده باشد؟ این زمان باید قطعاً پس از نرسی (۵۰۲ میلادی) باشد. این مار آبا بود که در سال ۵۳۰ میلادی از سوی رهبران کلیسای شرق فرستاده شد تا در جهت تجدید نظر در آیین نیایشی و هماهنگی با تحولات نیایشی مسیحی در میان مسیحیان «غربی» تلاش کند و اسقفان اعظم بیزانسی را ملاقات کرده و همچنین دو آیین نیایشی الحاقی یکی را با افتخار تئودور مفسر و دیگری را به یاد و احترام پاتریارک نسطوریوس ترتیب داده بود. این هر دو شامل بخش تقدیس به همراه هوشیعانا ـ دعای تقدیس بر پایه الگوی آیین نیایشی حضرت یعقوب بودند. چنان که انتظار می رود بخش آیین نیایشی آدای و ماری با آنها ترکیب شده و قالب متنی جدید را احتمالاً توسط خود مار ابا بوجود آورد.

شکست نتیجه گیری صحیح از مقایسه دو متن نیایشی آدای و ماری و پطرس سوم با رویکرد ریشه یابی آیین نیایشی ما و همچنین در نظر نگرفتن تفاوت بین دو بخش تقدیس (الف: قدیش ب: هوشیعانا و دعای تقدیس) و به فراموشی سپردن جایگاهی مختلف آن دو در این آیین نیایشی ـ بسیاری از متخصصین از جمله گلستون را سردرگم کرده بود در اینجا با توجه به تحلیل ماکومبر ـ به نتیجه متفاوتی دست می یابیم:

مؤثرترین و مهمترین نکته بدست آمده از مقایسه بخش ج (قدیش ... هوشیعانا ... دعای تقدیس ...) با همتای آن در «شرار» این حقیقت است که هر دوی این آیین های نیایشی شامل قسمت تقدیس هستند که منجر به استنتاج وجود یک ریشه مشترک می گردد.

چنان که دیدیم:

الف) نظریه وجود یک ریشه مشترک بی اساس است.

ب) تقدیس برگرفته از متن اشعیا درلحظه گذر از سنت مارونی به متن نیایش آدای و ماری تعلق داشته که نیازی به تغییر ندارد. چنان که در «شرار» ضبط است: «جلال بر تو باد .»و در هنگام گذار (از نظر زمانی ۴۱۰ میلادی چنانکه خواهیم دید) الحاق نوین عهد جدیدی (هوشیعانا و دعای تقدیس) هنوز بطور عمومی وارد متن و بافت آن نشده بود و این موضوع در آیین نیایشی دستورالعمل رسولان بخش هشتم ۲۷:۱۲ (۳۸۰ میلادی) و همچنین توسط نرسی تأیید شده است.

ج) پس از انتقال آیین آدای و ماری به سنت مارونی، الحاق بخش هوشیعانا ـ دعای تقدیس ، به طور کاملاً مستقل هم در کلیساهای مارونی و هم در کلیسای بین النهرین واقع گردید و هر یک بر طبق درک و سنت خود آن را در متن ترتیب و نظم دادند. از این روست که ترتیب دوگانه آن را در متون می یابیم.

الحاقات و تغییرات در بخش دوم

بخش دوم آیین نیایشی به طور کلی بدون تغییر مانده است و تقریباً به همان شکل اولیه خود مورد استفاده قرار می گیرد. تنها مورد استثنا است که دلیل و چگونگی آن را هم اینک بررسی نمودیم.

الحاقات و تغییرات در بخش سوم

الف ـ دعای طلب روح‌القدس:

دعای طلب روح القدس آدای و ماری به روشنی مطابق با «مارانتا» (بیا ای خداوند) اول قرنتیان ۲۲:۱۶ می باشد که به همین صورت در فصل ده «دیداکه» در ارتباط با قربانی مقدس بکار رفته است. در واقع

همچنان که «نزول »روح القدس («آمدن »روح القدس) در رحم باکره به تولد نجات دهنده منجر گردید به همین شکل در اینجا از روح القدس دعوت می شود تا «آمد» (نازل شده) و آنچه را که مسیح در شام آخر در «برکت دادن »نان و شراب انجام داد تکرار نماید، تا آنکه این برای آنان به منزله خوراک حیات نوین در ملکوت آسمان باشد و پذیرفته شود. همچنین باید توجه داشت که متن پطرس سوم، بخصوص اگر به اختلاف نسخه های متفاوت آن دقت کنیم بسیار نزدیک به متن ادای و ماری است.

مقدمه قدیش اشعیا در آیین نیایشی آدای و ماری و سپس افزودن یک متن کامل شده دعای طلب روح القدس ممکن است در دو برههٔ زمانی متفاوت رخ داده باشد، لیکن در محتوا و عمق تحقیق حاضر می توانیم آن دو را به دومین سطح(پیش از ۳۴۰ میلادی) مربوط دانسته و مرحله مجزایی از تحول آیین نیایشی مورد نظر به حساب آوریم.

برای آزمون اعتبار دیدگاه خود اجازه دهید ببینیم که آیا متن ما در دومین سطح خود بافت محکم و یک دستی نشان می دهد:

دومین سطح

بخش اول

الف) جلال بر تو، نام قدوس و مجید تو، پسر و روح القدس که جهان را به رحمت خویش و ساکنان آن را از محبت خویش آفرید، بشر را از گناهان او به فیض خود رهانید و از خاکیان فانی تفقد فرمود.

ب) ای خداوند، خدای قادر مطلق، هزاران هزار مخلوقات آسمانی تو را پرستش نموده و کرورها کرور فرشتگان و لشکر موجودات روحانی خادمان آتش و روح با کروبیان و صرافین مقدس با خروش نام تو را می سرایند و جلال می دهند و تمجید می نمایند.

ج) قدوس، قدوس، قدوس، خدای قادر مطلق آسمان و زمین از جلال او مملو است.

بخش دوم

د) تو را شکر می‌گوییم، ای خداوند، ما بندگان حقیر و ضعیف و گناهکار تو، زیرا تو از ما تفقد فرمودی چنان‌که بیان نتوان کرد، و بشریت ما را بر خود حمل نمودی تا ما را برای الوهیت خود آماده و تقویت فرمایی، تو ای خداوند طبیعت ضعیف ما را برافراشتی، تو سقوط ما را اصلاح نمودی و بدنهای فانی ما را برخیزانیدی. و گناهان ما را بخشیدی و ذهن ما را منور ساختی و تو ای خداوند و ای خدای ما دشمنان ما را مغلوب ساخته و سرشت ضعیف و ناتوان ما را از راه رحمت و فیض بی‌پایان تو به پیروزی ملبس فرمودی.

هـ) و به خاطر تمامی رحمت‌ها و فیض تو با ماست که ما تو را به جلال و اقتدار تمجید نموده و شکرگزاری و پرستش را به تو تقدیم می‌داریم، اکنون و تا ابدالاباد. آمین.

بخش سوم

و) ای خداوند، به خاطر رحمت‌های بی‌پایان و غیرقابل درک خود، به یادبود مسیح تو، یادگاری پر ارج تمامی پدران عادل و مقدسی که تو را خشنود کرده‌اند، انبیاء، رسولان، شهیدان و معترفین ایمان، اسقفان، کشیشان و خادمان و همه فرزندان کلیسای جامع مقدس را که به مهر تعمید مقدس ممهور شده‌اند به یاد آور.

ح) و عطا فرما که آرامش و سلامتی تو در روزهای زندگی زمینی بر ما قرار گیرد تا همه ساکنان زمین تو را بشناسند که تو تنها خدای حقیقی و پدر هستی و اینکه تو پسر محبوب خود خداوند ما عیسی مسیح را

فرستادی، و او خداوند خدای ما، ما را در انجیل حیات بخش خود به تمامی راستی و تقدس هدایت و تعلیم فرمود.

ک) باشد که روح‌القدس تو ای خداوند آمده بر این جماعت بندگان تو قرار گرفته و آن را تقدیس نماید تا آنکه این برای ما ای خداوند به بخشایش خطایا، آمرزش گناهان، و امید عظیم رستاخیز از مردگان و حیاتی تازه در ملکوت آسمان با همه آنانی که به حضورت می‌ایستند به حساب آید.

ط) و به جهت همه اعمال عجیب تو که برای ما به عمل آورده‌ای تو را شکر نموده و بی‌وقفه و پیوسته در کلیسای تو، که به خون گرانبهای مسیح تو نجات یافته تو را با دهانی پر از حمد و چهره‌ای گشاده جلال داده و پرستش و تمجید می‌نماییم اکنون و تا به ابد. آمین.

متنی که در اینجا به عنوان دومین سطح معرفی گردید از دیدگاه رازشناسی کلیسایی منحصربه فرد و شکوهمند است. این متن اصالت رسولی خود را حفظ نموده و به طرز اعجاب انگیزی با تحولات الهیاتی تطبیق داده است. به گمان من، این آیین نیایشی بود که کلیسایی شجاع و قهرمان را با وفاداری به مسیح در رنجها و جفای قرن چهارم میلادی در امپراتوری پارس تأیید و تقویت نمود.

سومین سطح

آنچه که من آن راسومین سطح می نامم متن مشهور نیایش آدای و ماری است که می‌توانیم در همه متون کهن نیایشی آن را بیابیم، متنی که دبلیو ماکومبر در سال ۲۸۱۹۶۴ فراهم آورد. این متن نتیجه نهایی تحولات متون دعای اصلی نماز قربانی مقدسی در بین‌النهرین است، تحولی که به خوبی انجام شده و کاملاً تحقق یافت، اما قسمتی از آن هنوز کامل نیست و به

این موضوع خواهیم پرداخت. اما باید دو مرحله متفاوت این تحول را از هم باز شناسیم: بخش اول آن به ارتباط بین عمل نیایشی قربانی مقدس کلیسا و واپسین شام آخر خداوند مربوط می‌شود و قسمت دوم به افزودن بخش هوشیعانا ـ تقدیس به دعای اصلی تقدیس در بخش اول آیین نیایشی و چگونگی تنظیم متن می‌پردازد. تاکنون به این قسمت پرداخته بودیم اکنون به مطلب نخست خواهیم پرداخت.

۱) ارتباط با شام آخر

بخش سوم نیایش آدای و ماری در نسخه مرحله سوم تحول خود متنی بسیار پیچیده است. این متن موجب سردرگمی متخصصین شده و باعث شکست بسیاری از تلاش‌ها برای بررسی آن گردیده است، نکات مهم گیج کننده تمام این بخش به دو موضوع تقسیم می‌شوند. هر دو نکته یک هدف دارند: تأکید و گسترده کردن ارتباط اعمال نیایشی کلیسا با شام آخر خداوند، به این معنا که کلیسا آنچه را که فرمان یافت تا انجام دهد دقیقاً همان را به انجام می‌رساند: نه فقط «یادآوری» یک مسیح تاریخی بلکه تقدیم قربانی او به شکلی که *hic et nunc* (همین حالا) باشد. در اینجا به مسئله چگونگی ورود این ایده به آیین نیایشی می‌پردازیم:

الف) در آغاز بخش سوم (پاراگراف زـ)، با توجه به یادآوری کار مسیح و کلیسای او، نسخه بردار این متن فرصت مناسبی یافت تا این یادآوری را وسعت بخشیده و به نتیجه «بدن و خون پسر تو که بر مذبح پاک و مقدس تو تقدیم می‌داریم چنان که به ما تعلیم فرمودی) »پاراگراف ح ـ) برساند. ویژگی این شکل وارد کردن متن از چشم تحلیل گر دور نمی‌ماند زیرا:

اولاً ـ این توارد جدید جریان بخش یادآوری پدران در قسمت آغازین را قطع می‌نماید. بنابراین می‌توانیم ببینیم که نسخه بردار، که قصد

حذف و نابود کردن هیچ یک از قسمت‌ها را نداشته و قرار بوده متن اصلی بخش یادآوری را حفظ نماید تلاش می‌کند تا بریدگی این بخش و انفصال آن را به نظم درآورده و این قسمت اضافه شده را در محل جدید خود در انتهای پاراگراف بعدی قرار می‌دهد، که فرصتی برای امکان ترکیب دو متن بدست می‌دهد یعنی پس از «در انجیل مقدس خود ما را به راستی و تقدیس تعلیم و هدایت فرمود »و بنابراین، متن اصلی را بدین شیوه تکمیل می‌کند. اما با چنین عملی، از دقت معنا و روان بودن متن جمله ما قبل آخر غافل می‌ماند.

ثانیاً ـ با سبک نوشتاری کتاب مقدس و یا متون نیایشی در «یادآوری بدن و خون مسیح »تفاوت دارد و به یادآوری خود مسیح در عمل نیایشی قربانی مقدس تأکید دارد، و به شرح و توصیف رویدادهای عمل نجات بخش او و رنج و مرگ و رستاخیز او اشاره دارد.

ب) با ترکیب و تداخل یک پاراگراف جدید (پاراگراف ی ـ در جدول) که برای بیان ارتباط بین عمل کلیسا و تأسیس آیین توسط عیسی مسیح بکار گرفته شده، آن را به صورت یک مقدمه بر دعای طلب روح‌القدس در می‌آورد. به این دلیل است که در این متن هیچ فعلی در زمان حال صرف نشده است، در واقع این پاراگراف در ارتباط با دعای طلب روح‌القدس که پس از آن قرار دارد تغییر یافته است و به این شیوه ارائه شده است: «چنانکه ما تو را ای خداوند عیسی مطابق آنچه که «تو به ما نمونه دادی) »بر طبق «نمونه‌ای که به ما دادی »بیاد می‌آوریم، باشد که روح‌القدس تو بیاید ...) با حذف حرف «واو »از «باشد که بیاید روح‌القدس ... »متنی روان و یکدست و تداوم دار به وجود آمده است.

۲) ترکیب سریع و یك‌پارچه کردن عبارات

در حالی که این الحاقات ارتباط بین شام آخر را بیان نموده و به وضوح عمل تقدیم قربانی کلیسا را تشریح می نماید، روند ترکیب و اتحاد متن جدید اضافه شده این دعای طلب روح القدس و بخش یادآوری آن مسائل و مشکلات عدیده ای را با توجه به دو بخش متفاوت آن به وجود آورده است.

الف) با توجه به دعای دو بخشی:

این دعاها از بخش یادآوری این قسمت جدا شده و سپس به دعای درخواست بعدی برای سلامتی پیوند خورده و دو پاراگراف را از هم جدا نموده است، یکی فرازی که از آن جدا شده و دیگری پاراگرافی که به آن متصل شده است. علاوه بر این، مخاطب این بخش از پدر (از مسیح تو) به پسر (چنان که تو ما را تعلیم دادی) تغییر یافته و سپس مجدداً به پدر باز می گردد (تو خداوند ما عیسی مسیح پسر محبوب خود را فرستادی).

بر پایه این نکات، ممکن است احساس کنیم تمایل به برگرداندن شکل اصلی روایت این دعاها داریم، از این رو با کنار هم قرار دادن متون اصلی می توان به وضوح روند نوشتاری متن را دریافت:

> خداوندا، از راه رحمت های بی پایان و غیرقابل فهم تو، در یادآوری مسیح تو، یادگاری ارجمند از تمامی پدران عادل و مقدسی که تو را خشنود ساختند، انبیا، رسولان، شهیدان و معترفین ایمان، اسقفان، کشیشان و خادمان تو و همه فرزندان کلیسای جامع مقدس تو که به مهر تعمید مقدس ممهور شده اند عطا فرما.

ب) در رویکرد به عبارت شبه یادآوری:

به روشنی قابل درک است که تداخل متن کوتاه اضافه شده در میانه دعاها کاملاً با مقصود نسخه بردار هماهنگ نیست. بنابراین یک پاراگراف جدید (ط) به وجود آمد که منفرداً به ارتباط عمل کلیسا بر اساس الگوی اولیه ای که از خود خداوند گرفته شده اشاره می کند. در اینجا بار دیگر ضعفها مشهود و جدی نشان داده می شوند:

۱: بخش شبه یادآوری، به شکل یک قطعه مرتبط با شام آخر از یکسو و قطعه ای مربوط به دعای طلب روح القدس که پسر از آن فرا می رسد از سوی دیگر ترتیب یافته است، با وجودی که حاوی عناصر رازشناختی فوق العاده ای می باشد به سهم خود به گونه ای صحیح نظم و ترتیب داده نشده است. پس از اشاره به دریافت «نمونه ای که از سنت رسیده است (*tupsa*) و از تو است »متن با افعالی که نظم درستی ندارند ادامه می یابد: «با وجود و شادمانی تو را جلال داده و تمجید می نماییم بیاد آورده و سپاس گفته و به انجام می رسانیم ... »به گمان من این جمله ها می توانستند بهتر ترتیب یابند.

۲: علاوه بر این، همه افعالی که بدانها اشاره رفت در زمان و حالت قیدی صرف شده اند. به نظر می رسد که نسخه بردار این متن قصد داشته این دعای شبه یادآوری را با دعای طلب روح القدس پیوند دهد که با فعل «باشد که بیاید »در زمان حال صرف شده است. این نیت از نظر دستور زبانی حذف حرف واو (و) را از آغاز دعای طلب روح القدس می طلبد و باید آن را به «بیاید »تغییر داده و بدین ترتیب فعل اصلی جمله می ساختند. در حقیقت، متن مار ایشایا، که توسط ماکومبر تصحیح شده این حرف (واو) را حذف کرده است.

۳: اما مسئله مهمتر که در این الحاق پاراگراف به وجود آمده ابهامی است که به مخاطب این متن کوچک و حتی کل متن نیایشی مربوط می شود. از لحظه اتصال دو قطعه متن مخاطب متن تغییر می نماید و از پدر به پسر تبدیل می شود (ما ... به نام تو گرد آمده ... نمونه ای را که از تو یافتیم) و سپس مجدداً به پدر باز می گردد و در پایان این پاراگراف (رازها را به یاد رنج و ... خداوند ما عیسی مسیح برگزار می کنیم) تغییر می نماید.

۳) تغییرات سومین سطح و انتقال آن به سنت مارونی

پدران کلیساهای بین‌النهرین برای به روز کردن آیین نیایشی خود وارد کردن یک قطعه رابط بین شام آخر و آغاز بخش سوم را کافی تلقی نموده و ترکیب این دو بخش را به حس یادآوری تحمیل نموده‌اند. مارونی‌های متأخرتر که در فضای الهیاتی ـ نیایشی انطاکیه می‌زیستند بطرزی قابل درک با تفاوت الگوی حد بینابین آدای و ماری روبه‌رو شده و با آیین نیایشی خود و باقی آیین‌های موجود در سنت انطاکیه تطبیق داده‌اند، همه آنها در آیین‌های خود، بخشی از روایت تأسیس قربانی مقدس را داشته‌اند، بنابراین آنها نیاز احساس کردند که آیین نیایشی بین‌النهرین را با الکوی مشترک نیایش‌های غربی تطابق داده و روایت تأسیس را در آن داخل نمایند.

بدین ترتیب هم پدران مارونی و هم پدران بین‌النهرین منحصر بفرد بودن الگوی نیایش بین‌النهرین را درک نموده و دقیقاً می‌دانستند در کدام قسمت از آیین نیایشی قطعه ارتباط دهنده با شام آخر باید قرار داده شود: نه در قسمت اول در قلب اجرای اعمال نیایشی، بر طبق الگوی انطاکیه‌ای، بلکه در قسمت سوم که یادآوری در آن انجام می‌شود. نسخه بردار مارونی در واقع همان نقطه توجه پدران بین‌النهرین را مورد توجه قرار داده و همان نظر آنان را تحول داده و تأیید نمود که گردهمایی کلیسا «چنان‌که تو به ما تعلیم دادی »به انجام می‌رسد و آن را با وارد کردن روایت تأسیس کامل‌تر نمود. سپس این نسخه بردار به بخش منفک اضافه شده بازگشت و آن را با این جمله معرفی نمود: «ای خداوند ما این قربانی‌ها را به یاد همه پدران راستین و عادل، انبیا، رسولان شهیدان و معترفین ... »به تو تقدیم می‌داریم و غیره. در نتیجه با وارد کردن روایت تأسیس آنچه را که اصطلاحاً یادآوری خوانده می‌شود را به متن برگردانده (پاراگراف ـ ی ـ) و در نتیجه، این پاراگراف زائد به نظر رسیده حذف گردید. همچنین پاراگراف ـ ح ـ که درخواست آرامش را در بردارد باید تغییر می‌یافت

واقعیت این است که «یادآوری »متن نیایش آدای و ماری در متن پطرس سوم نیز موجود است اما روایت تأسیس جایگزین آن شده وظیفه آن را به عهده می‌گیرد.

در جستجوی يك توضيح

ابهام موجود در بخش سوم نیایش آدای و ماری در شکل اصلی آن چنان‌که دیدیم در تناقض شدید با ساختار الهیاتی این آیین نیایشی که به روشنی تشریح شده قرار دارد. در چه زمانی و در کجا این تناقض به وجود آمد؟ مطمئناً پدران کلیسای بین‌النهدین زبان آرامی را کاملاً می‌دانستند و آیین نیایشی را بنیان نهادند که در واقع گنجی بزرگ برای کلیسای جهانی بشمار می‌رود. چرا این بخش از آیین نیایشی آنان پر ابهام است؟ در واقع، این موضوع نشان می‌دهد که شرایط کار عجولانه و تحت فشار در پاسخ به یک نیاز و درخواست فوری حاکم بوده است. آیا می‌توان شرایط تاریخی را که چنین فشاری را برای کلیسا فراهم کرد می‌توان شناخت؟

متن شورایی در محتوای تاریخی آن

در سال ۳۱۳ میلادی، کنستانتین بلافاصله پس از پیروزی خود که تحت حمایت صلیب در نبرد پل میلویان به انجام رسید فاتحانه به رم وارد شد. مدت کوتاهی پس از آن امپراتوری رم به تدریج ولی پیگیر تحت نفوذ مسیحیت به عنوان مذهب رسمی قرار گرفت و سپس این مذهب در تمام روم رسمی اعلام گردید. در حالی که مسیحیان شادی آزادی خود را در غرب جشن می‌گرفتند مسیحیان شرقی به هدفی برای توجیه شکست‌های امپراتوری پارس تبدیل و به قطع روابط با برادران غربی خود مجبور شدند، مطالعات تحولات الهیاتی و نیایشی آغاز گردید. بقای ایمانداران مسیح به انگیزه اصلی شبانان کلیسا مبدل گردید.

پس از شهادت سه رهبر کلیسایی مار شمعون بارسابا (۳۴۱ میلادی)، مار شهدوست (۳۴۳ میلادی) و مار بارباشیمن (۳۴۶ میلادی)، کرسی سلوکیه به مدت چهل سال (۳۴۸-۳۸۸ میلادی) خالی ماند و تا مرگ شاپور دوم و آغاز سلطنت بهرام چهارم وضع بدین منوال ادامه یافت. بلافاصله پس از آن تومارسا برای تصدی کرسی سلوکیه برگزیده شد. وظیفه اصلی او شفای زخم های قلب های ایمانداران و بنای کلیساهای ویران شده بود. جانشین او گئوما، کشیش پیری بود که به فاصله کوتاهی بازنشسته شد و به نفع مار اسحاق که جوانتر و پر انرژی تر بود کنار رفت.

یزدگرد و دوره او

یزدگر در سال ۳۹۹ میلادی بر تخت سلطنت ساسانیان تکیه زد. دوران سلطنت او زمان مبادلات صمیمانه و امیدبخش بین رهبران آن زمان بود. آرکادیوس بیزانسی نمایندگانی را به امپراتوری تازه تأسیس گسیل داشت که اسقفی از بین النهرین آن را سرپرستی می کرد: ماروتامای فرکت که در فنون پزشکی و رفتارها و روابط سیاسی اطلاعات وسیعی داشت. این قابلیت ها به اضافه دانش او از فرهنگ آرامی همگی در اجرای مأموریت او سودمند واقع شد و نه فقط با شاهنشاه ایران بلکه با کلیسای امپراتوری او نیز به موفقیت های چشمگیری دست یافت.

حمایت غربیان

به مجرد اعطای آزادی مذهبی به مسیحیان در زمان کنستانتین، مسیحیان غرب تمایل و علاقه خود را به برادران خود در امپراتوری پارس نشان دادند. اوزه بیوس قیصریه ای در نوشته خود زندگی کنستانتین (بخش ۴: ۹-۱۳) مضمون نامه امپراتور به شاپور درباره حمایت از مسیحیان امپراتوری وی را نقل می کند در حالی که مکتب نصیبین و ادسا

در این برهه حساس تاریخی نقطه برخورد و روابط و مشارکت های برادران مسیحی در شرق و غرب به شمار می رفت، این شورا کلیسای شرق بود که نظام انتخاب اسقف سلوکیه و کاتولیکوس شرق را تدوین نمود و وظیفه اداره زندگی روحانی مسیحیان امپراتوری پارس را به آن واگذار کرد تا در اتحاد با برادران کلیسای غرب در تمامی مسائل: الهیاتی، نیایشی و اداره امور کلیسا به همکاری بپردازند، این شورا توسط مار اسحق در سال ۴۱۰ میلادی تشکیل گردید.

شورای مار اسحاق

موقعیت زمانی

نامه ای به شاهنشاه یزدگرد که به مار ماروتا نسبت داده می شود توسط اسقفان سوریه و ناحیه بین النهرین علیا: پورفیریوس، اسقف ـ کاتولیکوس انطاکیه، آکاسیوس اسقف آلیپو، پکیدا اسقف اورهای و اوزه یوس اسقف تلا، و آکاسیوس، اسقف آمیدا، ترتیب یافته بود. ماروتا نامه را به اسقف سلوکیه و تیسفون نشان داد، کاتولیکوس مار اسحاق «به اراده و دیدی واحد نامه را از یونانی به پارسی برگرداند و آن را در حضور شاه شاهان پادشاه پیروز پارس قرائت نمود.».

موضوع نامه

از واکنش محبت آمیز پادشاه به این نامه می توانیم محتوای آن را حدس بزنیم. شاهنشاه با خواندن نامه چنین گفت: «شرق و غرب یک امپراتوری واحدند که تحت فرمان من قرار دارند». مفهوم این جمله این است که مسیحیت در امپراتوری وی باید با همان قوانین غرب اداره شود. بنابراین پادشاه اهمیت و ارزش و اعتبار قوانین کلیسایی موجود در امپراطوری روم را در ارتباط با مسیحیان متبوع خویش درک نموده بود. بدون تردید این خواسته «پدران غربی» بوده است.

PDF.Tarikhema.ir

هدف مار ماروتا در نمایندگی پدران کلیسای غرب کاملاً روشن بود: «او خود را موظف به حفاظت از کلیسای مسیح خداوند می دید و تأکید می نمود که قوانین برحق تصویب شده توسط پدران کلیسای غربی و اسقفان در شرق نیز باید به مورد اجرا گذارده شوند تا ضمانتی برای حفظ ایمان و حقیقت وجود قوم خدا باشد.».

شورای بزرگی تحت نظر شاه شاهان و متعاقباً چهل اسقف گردآمده در سلوکیه در ششم ژانویه ۴۱۰ میلادی بر پا گردید. در طی مراحل بعدی قطعنامه شورا مقرر داشت:

الف) شراکت در ایمان

شورا اعتقادنامه نیقیه را پذیرفت و آن را در دستور کار شورا قرار داد.

ب) وحدت قانون

مواد قانونی که ماروتا ارائه نموده بود قرائت گردید و توسط پدران شورا تأیید و به امضا رسید.

ج) وحدت نیایشی

در مواد قانونی بسیاری مورد تأیید قرار گرفت در اینجا یکی از مضامین آن را نقل می کنیم:

ماده سیزدهم: درباره نظام کلیسایی و قوانین مربوط به نیایش و رازهای مقدس و جشن های خداوند ما:

همچنین آیین نیایشی غرب که اسحاق و ماروتا اسقفان گرامی به ما تعلیم دادند و ما آن را در کلیسای سلوکیه اجرا نمودیم را ما نیز مورد استفاده قرار خواهیم داد. خادمان در هر یک از شهرها باید به همین روش عمل نمایند و متون مقدس به همین نحو باید قرائت شوند و جماعت پاک و مقدس بر یک مذبح قربانی خواهند گذراند و بحث سنت کهن (*d-haw*) دیگر در میان ما وجود ندارد. جماعت دیگر نباید خانه به خانه قربانی بگذرانند.

۱) بدینسان پس از یک قرن جدایی از برادران غربی در امپراzوری روم کلیسای شرق زمان مناسبی برای تدوین آیین نیایشی خود یافت و الهیات و قوانین کلیسایی را مرتب نمود. این کلیسا به میل کامل در هم عصر شدن نیایش خود تلاش نمود. در موضوعات نیایشی به «نیایش غربی »تمسک جسته و نیاز به پاره‌ای تغییرات در شیوه نیایشی شرقی را احساس نمود. در گزارش شورا اطلاع می یابیم که مار اسحق کاتولیکوس و هیأت نمایندگی پدران غربی تحت فرمان مار ماروتا به راهنمایی اسقفان در مورد این تغییرات در نیایش شرقی پرداختند و سپس «نیایش غربی» را در کلیسای ایران برپا کردند، به وضوح عناصر نوین باید از اهمیت الهیاتی و احترام خاص برخوردار می بودند.

۲) از گزارش شورا در می یابیم که نیایش در کلیسای بزرگ کوخه نیایشی باشکوه بوده است و بنابراین نیایش «غربی شده »می توانست در شیوه تغییرات و استفاده از تحولات الهیاتی ـ نیایشی در غرب مؤثر واقع شده باشد.

باید یادآوری کنیم که در اینجا ما درباره سال ۴۱۰ میلادی صحبت می کنیم و همچنین شورای مار اسحق اولین برخورد رسمی بین رهبران کلیساهای شرقی و غربی پس از یک قرن جدایی به حساب می‌آید. همچنین این برخورد و ملاقات از سوی مار ماروتا به خوبی ترتیب داده شده بود شخصی که دید و بینش عمیقی درباره وضعیت مسیحیت در خارج از مرزهای حوزهٔ اسقفی خود داشت. این سال ها، سال هایی بودند که آیین نیایشی سنت رسولان پیش از آن مرتب گردیده بود، هنگامی که دستورالعلم رسولان به نظم درآمد و هنگامی که نیایش حضرت یعقوب ترتیب یافت و به نمونه دعای قربانی مقدسی اورشلیم و انطاکیه مبدل گردید. در همه این مراحل روایت تأسیس قربانی مقدس از جایگاه

محکمی در قلب آیین نیایشی برخوردار گردید و ارتباط روشنی بین شام خداوند و متن *Locus Theologicus* (موضوع خاص الهیاتی) برقرار گردید.

اما متن نیایشی آدای و ماری چنان که بود باقی ماند و همان شکل قرن سومی را حفظ کرد. طبعاً مار ماروتا باید توجه مار اسحق را به این موضوع و نیاز به نظم و ترتیب آیین نیایشی جلب نموده باشد. از گزارش شورا چنین برمی‌آید که از سوی اسقفان در برابر تغییرات آیین نیایشی مخالفت‌های ابراز می‌شده است و بر «میراث کهن» نیایشی تأکید می‌ورزیده‌اند. بدین سان اراده کاتولیکوس برای ارتباط نزدیک با پدران غربی و آنچه که نمایندگان ارائه کردند به مانع برخورد. تحت این فشارها در شرایط حاکم بر شورا با عجله و سردستی اسقفان با استفاده از آنچه که نیایش «غربی» نامیده می‌شد توافق نمودند.

۳) طبعاً، مار ماروتا نماینده پدران غربی باید نتایج توافق خود را با اسقفان برادر خود در میان می‌گذاشت در نتیجه او باید نمونه‌ای از آیین نیایشی و نسخه تغییر یافته آن را ارائه نموده باشد. آشکار است که پدران کلیسای مارونی نیایش شرقی را می‌پسندیدند و تصمیم به استفاده از آن گرفتند و آن را نیایش رسمی خود قرار دادند. در مرحله بعدی آنها با الگوی فوق نظامی را ترتیب دادند که بین آنها مشترک استفاده شد و بدینسان روایت تأسیس را وارد آن نمودند. در این زمان آنها باید متن هوشیعانا ـ دعای تقدیس را با مقدمه آن مورد استفاده قرار داده باشند و سپس قطعات شفاعتی را بدان افزودند و نیایش انطاکیه‌ای خود را گسترش دادند.

اگر مار مارتون پدر رسمی کلیسای مارونی همان تصویر تاریخی باشد که یوحنای دهان طلا به او نامه‌ای نوشت که در سال ۴۰۴ تا ۴۰۷ میلادی نوشته شده است، و اگر او همان راهبی باشد که تئودور (۴۵۸ میلادی)

شاگرد تئودور اهل موسپوئستا درباره او سخن گفته و شرح حال او را در تاریخ مذهبی خود ارائه داده است پس در شرایط تاریخی و فضای جغرافیایی مورد نظر ما در حوزه کار مار ماروتا قرار داشته و نتیجتاً متن آدای و ماری موجود در کلیسای مارونی در وجود او توجیه کاملی می‌یابد.

نتیجه گیری

۱ـ تا جایی که به ساختار نیایش آدای و ماری مربوط می‌شود ما همه بخشها و هر پاراگراف آن را به دقت بررسی نموده و تاریخ کلی نیایش قربانی مقدس را در این ارتباط ارائه داده‌ایم، ویژگی منحصر به فرد بودن آدای و ماری در متن تاریخی آن در کلیسای بین النهرین مطرح می‌شود ما متن آدای و ماری را چنان که در کهن‌ترین متون یافت می‌شود بررسی نموده و یافتن متن مفروضی را که این متن از آن ریشه گرفته باشد و همچنین بحث بررسی نظریه پاراگرافهای گم شده یا بخش‌هایی که خارج از متن وجود دارد را لازم ندانسته و بی مورد می‌دانیم.

۲ـ خلاصه نتیجه گیری ما چنین است: نیایش آدای و ماری یک دعای قربانی مقدسی است که نشانه‌های دوران رسولان را برخود دارد و با ساختار اصلی مشابه آداب «برکت ـ ها ـ مازون» در مفهوم و معنای گذر و رستاخیزی آن به نگارش درآمده و ترتیب یافته است. این متن در قالب بافتی همبسته و چند وجهی لایه‌ها و مراحل مختلف تکامل خود را آشکار می‌سازد و تحول رازشناسی قربانی مقدس را به ظهور می‌رساند. متن پطرس سوم همان متن آدای و ماری است که بر اساس آخرین سطح و حد تکاملی آن نگاشته شده و سپس توسط پدران کلیسای مارونی با افزایش و الحاق روایت تأسیس قربانی مقدس و دیگر ویژگی‌های سنت انطاکیه به شکل کامل خود عرضه شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

۳ـ این نتیجه گیری نه تنها در مورد نیایش کلدانی بخصوص به عنوان

یک متن نیایشی اصلاح شده معتبر است بلکه حتی تاریخ کلیسای آشوری کلدانی شرق را نیز به طور کلی دربرمی گیرد، زیرا که این نیایش قربانی مقدسی هنوز کاربرد فراوانی دارد از آن رو که می تواند بحثی نیایشی را درباره رسولی بودن کلیسای بین النهرین سازمان دهد که خود وابسته به کلیسای آشوری کلدانی شرق است. این متن علاوه بر اینها اصالت روندهای نیایشی را که در ارتباط مستقیم با اورشلیم هستند و مستقل از انطاکیه زندگی می کنند نشان می دهد. بنابراین، کاربرد نیایش ادای و ماری رسولان شرق، نباید به عنوان نوعی افتخار و عنوان غرورآمیز برای یک کلیسا به شمار آید.

۴ـ کالبد شکافی اولین سطح این «شاخه شرقی» حتی ممکن است برای مطالعات تفسیری درباره شام خداوند و روایت کتاب مقدسی آن مفید واقع شود، زیرا ارتباط مستقیم متن با دوران رسولان و ماهیت نیایش یهودیان را در ضیافت های روحانی دربرمی گیرد.

قداشای رسولان ادای و ماری نه فقط برکتی برای کلیسای پیرو همان رسولان بلکه حتی گنجی برای تمامی کلیسای جهانی بشمار می آید. بنابراین، بازشناسی اعتبار این تقدیس نیایشی قربانی مقدسی از سوی کرسی رم هدیه ای گرانبها و شادی بخش به اعتبار و ارزش این متن از دوران رسولان تا امروز بشمار می رود.

* * *
* *
*